

بسم الله الرحمن الرحيم

روش های ایجاد تحول امام خمینی (ره) از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

فاطمه سادات شاطهری^۱

^۱ - سطح ۲، مدرسه علمیه حضرت آمنه (س). fshataheri@gmail.com

چکیده:

شنیدن وصف امام و شرح اندیشه های جاودانه آن یگانه دوران دلنشین است ، اما وقتی خلف صالح او، مقام معظم رهبری که سالها در جوار وی زیسته و درس امامت و رهبری آموخته ، لطافت و شیرینی دیگری دارد. ایشان، امام خمینی را «امام تحول» نامیدند و روحیه تحول خواهی و تحول انگیزی امام را حل یکی از خصوصیات ویژه ایشان دانستند. در این نوشتار چند نمونه از موارد تحول آفرینی امام خمینی (ره) در ابعاد مختلف سیاسی مانند مردم سالاری دینی ، فرهنگی مانند تحول در نگاه به نسل جوان ، تحول در نگاه مردم به خود و جامعه ، تحول در فقه و ایجاد تمدن نوین اسلامی را از منظر مقام معظم رهبری ذکر شده است.

کلید واژه: ایجاد تحول، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقدمه:

حرکت های بزرگ تاریخی بیش از هر چیز مدیون شخصیت های برجسته ای است که با نفوذ خود بر افکار و اندیشه های ملتها تحولات عمیقی را در جامعه بشری ایجاد کرده اند. آنان همچون انبیای عظام و اولیای الهی علاوه بر پایه گذاری تحولات و نهضت های فرهنگی شخصاً برای تغییر وضع موجود و جایگزینی نظام مطلوب وارد میدان شده و ماندگارترین تحولات اجتماعی را آفریده اند. پدیده انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی(س) نیز از همین منظر قابل شناسایی است، چه این انقلاب با رهبری منحصر به فرد خود توانست مبدأ تحولات بنیادین در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت ایران و سرآغاز بسیاری از جنبش ها و حرکتهای تحول زا در جوامع اسلامی شود.^۱

شنیدن وصف امام و شرح اندیشه های جاودانه آن یگانه دوران دلنشین است، اما وقتی خلف صالح او، مقام معظم رهبری که سالها در جوار وی زیسته و درس امامت و رهبری آموخته و در فراز و نشیب های مبارزه و پیروزی نظام اسلامی از نزدیک ترین یاران و شاگردان مخلص و شایسته امام بوده، لطافت و شیرینی دیگری دارد. این شاگرد مخلص امام، چنان آن روح ملکوتی را توصیف می کند که عاشقان امام را به وجد می آورد.^۲

در میان رهبران سیاسی جهان تا به امروز، کمتر شخصیتی به جامعیت امام خمینی (ره) بروز نموده است. شخصیت استثنایی و اسطوره ای که توانست از یک جمع پریشان و پراکنده، یک امت متحد بسازد و بزرگ ترین انقلاب قرن را بر پا کند. مقام معظم رهبری به حق معتقد است حضرت امام خمینی (ره) همه خصال نفیس و کمیاب را که مجموعه آن در قرن ها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود همه را با هم داشت و با این ویژگی ها بود که توانست تخت فرعون های زمانه را بلرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن سازد و جهان اسلام را به حرکت درآورد شخصیت امام دارای ابعاد گوناگون بود. امام خمینی(ره) در چند دهه گذشته تأثیرات شگرفی در بنیانهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... جامعه ایران و بسیاری از مناسبات جهانی داشتند. از اینرو مطالعه افکار و اندیشههای سیاسی ایشان حایز اهمیت است. رهبر معظم انقلاب اسلامی یکی از از مهمترین خصوصیات امام راحل عظیم الشان را، «تحول خواهی، تحول انگیزی و تحول آفرینی» می دانند. ایشان در مورد روحیه تحول آفرین امام خمینی در سخنرانی ۱۴ خرداد ماه ۱۳۹۹ فرمودند:

^۱ - تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تبیان آثار موضوعی، دفتر ۴۶، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،

^۲ - بهرامی؛ «امام خمینی از دیدگاه مقام معظم رهبری» فصلنامه حصون، شماره ۱۵، ص ۹۳.

«امام(ره) یک انسان ذوابعد بودند، اما روحیه تحول خواهی و تحول انگیزی امام راحل یکی از خصوصیات ویژه ایشان است. در مورد ایجاد تحول، نقش ایشان صرفاً نقش یک استاد یا معلم نبود، بلکه نقش یک فرمانده در عملیات و یک رهبر واقعی بود»

ایشان، امام خمینی را «امام تحول» نامیدند و اشاره کردند که امام از دوران مبارزات تا پایان حیات مبارکشان در میدان عمل نیز در نقش یک فرمانده بی نظیر، روند تحول خواهی را رهبری و اقیانوس عظیم ملت ایران را در مسیر تحقق اهداف طوفانی و متلاطم می کرد.

«روحیه تحول خواهی از دیر زمان در ایشان وجود داشت و چیزی نبود که از آغاز نهضت اسلامی در سال ۴۱ شروع شده باشد بلکه از دوران جوانی چنین بودند. این روحیه را ایشان اعمال کردند و تحول آفرین شدند. از تحول آفرینی در یک مجموعه طلاب در قم تا تحول آفرینی وسیع در ملت ایران».

در این نوشتار برآنیم تا چند نمونه از موارد تحول آفرینی امام خمینی (ره) در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را از منظر مقام معظم رهبری ذکر کنیم.

مفهوم شناسی

امام خمینی (ره)

سید روح الله موسوی خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ش) مشهور به امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، از بزرگترین مراجع تقلید شیعه در قرن چهاردهم هجری قمری. وی از سال ۱۳۴۱ ش مبارزه علنی علیه نظام سلطنتی پهلوی در ایران را آغاز کرد. حکومت وقت دو بار او را بازداشت کرد و بار دوم به ترکیه و سپس به عراق تبعید کرد. ۱۲ سال در حوزه علمیه نجف به رهبری مبارزان انقلابی و نیز تدریس و تألیف در علوم حوزوی و دینی پرداخت. در ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷ شمسی با گسترش مبارزات مردم به ایران بازگشت و بعد از پیروزی انقلاب تا آخر عمر رهبر جمهوری اسلامی ایران بود.^۲

امام خامنه ای (حفظه الله)

سید علی حسینی خامنه‌ای (زاده ۱۳۱۸ ش) دومین رهبر جمهوری اسلامی و از مراجع تقلید شیعه است. او پیش از انتخاب به سمت رهبری در سال ۱۳۶۸ ش، دو دوره رئیس جمهور و مدتی نیز نماینده مجلس

^۱ - خامنه ای. سخنرانی سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، ۱۳۹۹/۳/۱۴.

^۲ - دانشنامه حوزوی ویکی شیعه، «امام خمینی».

شورای اسلامی بوده است. منصب امامت جمعه تهران از سوی امام خمینی نیز از مناصب شرعی اوست. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از روحانیون موثر مشهد به شمار می‌رفت.^۱

ایجاد تحول

تحول در لغت، تَحَوَّلٌ - تَحَوُّلاً (حول) به معنای از جایی به جای دیگر منتقل شدن است. در فرهنگنامه های فارسی نیز به معنای برگشتن از حالی به حال دیگر؛ منقلب شدن؛ دگرگون شدن است. ^۲معنای اصطلاحی ایجاد تحول عبارت است از: رهبری تحول آفرین فرایند نفوذ آگاهانه در افراد یا گروه ها برای ایجاد تغییر و تحول ناپیوسته در وضع موجود و یا کارکرد های سازمان به عنوان یک کل است. رهبران تحول آفرین از طریق گفتار و کردارشان کل جامعه را متحول می کنند و نفوذ زیادی روی پیروانشان دارند.^۳

۱- تحول سیاسی

سیاست در اندیشه امام خمینی(ره) بر آمده از آموزه های قرآنی، روایات و مبتنی بر مبانی فقهی و اصولی، فلسفی، کلامی، و عرفانی می باشد. از نگاه امام خمینی سیاست حقیقی؛ آن سیاستی است که مد نظر انبیاء وائمه معصومین (علیهم السلام) بوده، تا شرایط رشد انسان را در ابعاد مختلف فراهم نماید.^۴

در ادامه به چند مورد از تحول آفرینی امام خمینی (ره) در نظام سیاسی ایران از منظر مقام معظم رهبری می پردازیم.

۱-۱- مردم سالاری دینی و نفی دولت سالاری

امام خمینی (ره) به عنوان یک نواندیش و عارف و فقیه، جایگاه ویژه‌ای را برای مردم‌سالاری قائل بودند و به نقش مردم در تمامی ابعاد توجه خاصی داشتند. مردم‌سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم و در چارچوب مقررات الهی استوار است و در راستای حق‌مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند.

از دیدگاه امام خمینی(ره) جایگاه محکم مردم و مردم‌سالاری دینی بر مبنای مشروعیت و حقانیت حکومت شکل می‌گیرد. معرفت‌شناسی مردم‌سالاری در اندیشه امام خمینی (ره)، متأثر از نوع معرفتی ایشان به انسان،

^۱ - همان. «سید علی خامنه‌ای»

^۲ - بستانی. فرهنگ ابجدی، ص ۱۲۴.

^۳ - عمید. فرهنگ عمید.

^۴ - خدای. «بعاد تحول آفرینی از منظر امام خامنه‌ای»، پایگاه بصیرت.

^۵ - سعیدی نژاد. سیاست در اندیشه های امام خمینی.

جامعه و هستی و معرفت توحیدی است که در آن منبع اصلی شناخت همانند نظام مردم‌سالاری دینی، وحی و عقل است. بررسی آرا و نظریات حضرت امام (ره) ثابت می‌کند که ایشان جایگاه مردم در حکومت را بسیار بالاتر از مشورت‌گیری و مشورت‌دهی می‌دانند.

آیت الله خامنه‌ای درباره شاخصه‌های مکتب سیاسی امام خمینی (ره) فرماید:

از دیدگاه امام، مردم‌سالاری از متن دین اسلام گرفته شده است؛ نه از مکاتب غربی و به این دلیل، در مکتب سیاسی امام، مردم هم دارای ارزش و کرامتند و هم در اداره جامعه نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. در مردم‌سالاری حقیقی که امام ارائه کرد، رأی و خواست مردم علاوه بر تأثیر عمیق در اداره جامعه، نوعی اقتدار به نظام سیاسی می‌بخشد و امام با تکیه بر قدرت اراده پولادین مردم، در مقابل همه قدرت‌های جهانی ایستاد.^۲

مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود مردم‌سالاری را به عنوان یک مورد از مظاهر عقلانیت امام خمینی (ره) بیان کردند. ایشان فرمودند:

«انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجاتبخش او بود. قرنهای متمادی حکومت‌های فردی بر کشور ما حکومت کرده بودند و حتی در دورانی که در ایران جریان مشروطه به وجود آمد و بظاهر جریان قانون در کشور رسمی شد، عملاً استبداد و دیکتاتوری دوران پهلوی از استبداد گذشتگان‌شان گزنده‌تر و سخت‌تر و مصیبت‌بارتر بود. در کشوری با این سابقه، امام بزرگوار ما این امکان را پیدا کرد، این توفیق را یافت که مسئله‌ی حضور مردم و انتخابات مردمی را به یک حقیقت نهادینه شده تبدیل کند. مردم ما هرگز مزه‌ی انتخابات آزاد را، جز در برهه‌های بسیار کوتاه در صدر مشروطه، تجربه نکرده بودند. در یک چنین کشوری، در یک چنین فضایی، امام بزرگوار ما از اولین قدم، انتخابات را در کشور نهادینه کرد. بارها شنیدید که در طول این سی و دو سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، در حدود سی و دو یا سی و سه انتخابات در کشور اتفاق افتاده است، که مردم آزادانه پای صندوق‌های رأی آمدند و رأی خودشان را به صندوق انداختند و منشأ تشکیل مجلس و دولت و خبرنگان و شوراهای شهر و امثال اینها شدند. این، بارزترین نمونه‌ی عقلانیت امام بزرگوار ما بود.»

^۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «مردم‌سالاری دینی شرط اساسی مکتب امام خمینی (ره)».

^۲ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۱۴.

^۳ - خامنه‌ای. سخنرانی مراسم بیست و پنجمین سالگرد امام خمینی ره ۱۴/۰۳/۹۳.

۲-۱- تحول در خمودگی و تسلیم بودن ملت و تبدیل به روحیه‌ی مطالبه‌گری

مقام معظم رهبری در مورد این بخش از تحول آفرینی سیاسی امام خمینی (ره) اینگونه بیان می‌دارند که ملت ایران یک ملتی بود که با مسائل اساسی سرنوشت خودش هیچ سر و کاری نداشت، مردم تسلیم بودند، خمود بودند، نسبت به زندگی شخصی خودشان بی‌اراده بودند. این حالت تحرک میدان‌داری، وارد میدان شدن، مطالبه کردن، آن هم مطالبه‌ی چیزهای بزرگ و مهم، در رفتار ملت و در خلق و خوی ملت ما مطلقاً وجود نداشت؛ این را امام ایجاد کردند؛ همین ملت خمود و تسلیم را تبدیل کردند به یک ملت مطالبه‌گر؛ آن سخنرانی‌های پرشور و توفنده‌ی امام، آن بیانه‌های خروشنده‌ی امام، آن چنان تکان داد این ملت را که این ملت تبدیل شدند به یک ملت مطالبه‌گر؛ نمونه‌اش قضایای سال ۴۱ است. نمونه‌اش اجتماعات عظیم مردم در شهرهای مختلف است که بعد هم منتهی شد به پانزدهم خرداد، و در پانزدهم خرداد رژیم با آن کشتار عظیم نتوانست این حرکت را متوقف کند. باز هم اجتماعات مردم در طول زمان بود تا پایان دوران مبارزات؛ این یک تحول عجیبی بود که ایشان ایجاد کردند.^۱

۳-۱- تأمین عدالت اجتماعی

بی‌گمان، نخستین عاملان عدالت اجتماعی در هر کشور، مسئولان اجرایی، قضایی و قانونی آن هستند که هر کدام با درست عمل کردن به وظایف خود و عمل به قانون، می‌توانند در تأمین عدالت اجتماعی اثرگذار باشند.

آیت‌الله خامنه‌ای، بارها در دیدار با مسئولان نظام جمهوری اسلامی، بر رعایت عدل و انصاف در همه زمینه‌ها تأکید کرده است:

«مطلبی که باید مورد توجه همه برادران کارگزار دولت و مسئولان قضایی و همه بخش‌ها قرار گیرد، رعایت عدل و انصاف در همه امور است. ما باید به سمتی برویم که بر خلاف نظام طاغوت، امتیازات غلط و بی‌دلیل، حذف و ازاله شود و ان شاءالله، همان عدل حقیقی اسلامی برقرار شود.»^۲

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله، عدالت اجتماعی را از مهم‌ترین شاخصه‌های مکتب سیاسی امام خمینی رحمه الله برشمرد و تأکید کرد که عدالت

^۱ - خامنه‌ای. سخنرانی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۹/۳/۱۴.

^۲ - خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۲، ص ۹۳.

اجتماعی باید در قوانین، عملکردهای اجرایی و همه برنامه های حکومتی اصل قرار گیرد و پرکردن شکاف های طبقاتی، مهم ترین وظیفه مسئولان در همه دستگاه ها باشد.

۲- تحول فرهنگی

یکی از مهم ترین مسائلی که حضرت امام (ره) بر آن تأکید تام داشتند و همیشه در نوشته ها و سخنرانی های خود به آن اشاره می کردند، مسأله فرهنگ و اخلاق و تحول فرهنگی کشور است. فرهنگ از جمله مفاهیمی است که در معانی متعدد و مختلفی بکار گرفته می شود و حوزه گسترده ای را دربر می گیرد. بطوری که از آن به عنوان روح جامعه یاد می کنند. گستردگی و معانی مختلف فرهنگ موجب شده است که تاکنون نظریه جامع و مانعی در خصوص فرهنگ ارائه نشود. از جمله اندیشمندانی که فرهنگ در تفکر ایشان حائز اهمیت ویژه است، بنیانگذار و معمار جمهوری اسلامی ایران می باشد. ایشان در مهندسی جامعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نقش محوری برای فرهنگ قائل اند. اما باید اذعان داشت که محوری بودن توجه ایشان به فرهنگ به معنای هدف قرار دادن آن بدون نظر گرفتن جهت برای آن نیست. جهتی که ایشان برای فرهنگ در نظر می گیرند همان اسلام است. چرا که در زمان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در ایران فرهنگ وجود داشت و اینطور نبوده است که رژیم پهلوی به فرهنگ توجه نداشته باشد؛ اما نگاه امام خمینی به جایگاه فرهنگ با نگاه پیشینیان تفاوت بسیار زیادی دارد. چنین است که می توان اذعان داشت، هویت تاریخی و فرهنگی جامعه ایرانی مبتنی بر پذیرش نقش دین در عرصه حیات فردی و اجتماعی است. و انقلاب اسلامی کاملاً متأثر از رهیافت فرهنگی اسلام می باشد. آن جا که اسلام خود را دین انسان ساز معرفی می نماید. بر همین اساس، امام (ره) «تربیت انسان صالح» را در راس برنامه های انقلابی خویش قرار داده است.^۴

۲-۱- فرهنگ ناصالح

۱- عارفخانی، اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری، ص ۶۱.

۲- محسنی، «جایگاه فرهنگ و تحول فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)» کنگره ملی بررسی اندیشه های امام خمینی (ره)

۳- دادفر، «انقلاب اسلامی و رویکردی معنوی به جهان سیاسی» مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۲.

۴- افتخاری، «آرمان های انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره)» مجله اندیشه حوزه، شماره ۱۲.

یک بعد از تحول آفرینی امام خمینی(ره) در بحث فرهنگ، این است که ایشان در بیانات خود، فرهنگ را به دو بخش فرهنگ ناصالح و فرهنگ صحیح(فرهنگ الهی و حق) تقسیم می کنند. ایشان در بیان ویژگی فرهنگ ناصالح می فرمایند:

«اگر فرهنگ، ناصالح شد، این جوان هایی که تربیت می شوند به این تربیت های فرنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می کنند»^۲

از جمله نمونه های فرهنگ ناصالح، ایشان از فرهنگ استعماری و فرهنگ وابسته نام می برند.

الف) فرهنگ استعماری

ویژگی های فرهنگ استعماری اینگونه است: یعنی این فرهنگ فرمایشی است، ماموریت دارد که این وطن را، این جوانهای وطن را ضایع کند و به عقب بنشانند. جامعه و مردم را عقب نگه می دارد. مانع رشد افراد می شود. محدودیت ایجاد می کند.^۳

ب) فرهنگ وابسته

فرهنگ وابسته، فرهنگی است که استقلال ندارد و مربوط به مردم نیست.^۴ همه چیز وجود دارد اما محتوا ندارد و تو خالی است و مانع استقلال محصلان و زمامداران می شود.^۵

۲-۲- تحول در نگاه مردم به دین

تحول در نگاه به دین دیگر تحول امام بود. مردم در آن زمان دین را فقط برای احوال شخصی می دانستند، امام برای دین رسالت نظام سازی و تمدن سازی تعریف کرد و مردم نگاهشان به دین به کل متحول شد.^۶ امام خمینی(ره) با شناخت نقاط ضعف در میان جوامع اسلامی و زدودن زنگار از چهره دین و اسلام، جهانیان را با حقیقتی فراموش شده روبه رو ساخت و آن نقش دین در اداره جامعه بشری است با توجه به

۱ - محسنی. «جایگاه فرهنگ و تحول فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره)» کنگره ملی بررسی اندیشه های امام خمینی(ره).

۲ - خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۶.

۳ - همان، ج ۴، ص ۶۳.

۴ - همان، ج ۶، ص ۳۵.

۵ - همان، ج ۴، ص ۱۳۴.

۶ - همان، ج ۴، ص ۲۷۱.

۷ - خامنه ای. سخنرانی سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، ۱۴/۳/۱۳۹۹.

تمام ابعاد زندگی انسان^۱ امام با بیان این درد که دین اسلام را بد معرفی کرده و آن را از زندگی انسان دور ساخته اند می فرماید :

«تبلیغ کردند که اسلام دین جامعی نیست ، دین زندگی نیست ، برای جامعه نظامات و قوانین ندارد ، طرز حکومت و قوانین حکومتی نیاورده است . اسلام فقط احکام حیض و نفاس است . اخلاقیاتی هم دارد ، اما راجع به زندگی و اداره جامعه چیزی ندارد . تبلیغات سوء آن ها متأسفانه مؤثر واقع شده است . الآن گذشته از عامه مردم ، طبقه تحصیل کرده ، چه دانشگاهی و چه بسیاری از محصلین روحانی ، اسلام را درست نفهمیده اند و از آن تصور خطایی دارند.»^۲

امام در مقابل چنین قرائتی از دین و اسلام برمی آشوبد و با عمل نشان می دهد که دین اسلام همواره به سرنوشت زندگی دنیای مردم توجه داشته است . برنامه های اسلام هم زندگی دنیا و هم زندگی آخرت انسان را در بر می گیرد . در اسلام به نیازهای جسمی و روحی ، عقلی و فکری ، احساسی و عاطفی ، فردی و اجتماعی انسان توجه شده است .^۳

۲-۳- تحول در نگاه به نسل جوان

قشر جوان در هر جامعه‌ای به لحاظ برخورداری از توان، انرژی و استعدادهای فراوان قادر است، نقش تعیین کننده‌ای در آینده آن جامعه داشته باشد و جوانان در هر جامعه‌ای سرمایه اصلی آن جامعه محسوب می‌گردند که می‌توانند زمینه‌های رشد و پیشرفت آن جامعه را در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، هنری، ورزشی و... فراهم نمایند.^۴

جوانان در رژیم گذشته مورد بی‌مهری قرار گرفته و توانمندیها و تواناییهای آنان نادیده گرفته می‌شد. خلاقیت، نوآوری و... جایی در رژیم گذشته نداشت، دغدغه اصلی آن رژیم، حاکم ساختن فرهنگ غربی در کشور و گرایش به غرب تحت لوای رسیدن به تمدن و پیشرفت بود. جوانان را با تشویق به فساد و مراکز فحشاء و دامن زدن به آن، نسبت به فرهنگ و سرنوشت کشور بی‌تفاوت نموده و فکر و خلاقیت را از جوانان گرفته و این عناصر سازنده کشور را به عناصری بی‌تأثیر و بی‌مصرف تبدیل سازند.

۱- قابل. «حضور دین در عرصه اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره)» کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی / مبانی کلامی، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲- خمینی . ولایت فقیه ، ص ۴ - ۵ .

۳- قابل.. «حضور دین در عرصه اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره)» کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی / مبانی کلامی، ج ۱، ص ۲۶۱.

۴- مجتبی زاده. «نقش جوانان در پیروزی انقلاب اسلامی» موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان ، ۱۳۸۷.

مرحوم امام در این باره فرمودند:

«اصل برنامه این بوده است که جوان‌های ما را به فساد بکشند برای اینکه مبدا یک قدرتی در مقابلشان قیام کند... اینها می‌خواستند هر فکری را که احتمال بدهند که این فکر در مقابل آنهاست از بین ببرند... مراکز فساد که سرتاسر مملکت بود جوان‌ها را مشغول می‌کرد به امور شهوانی که به کلی افکار را از دستشان می‌گرفت»^۱

در چنین شرایطی نهضت اسلامی و آرمانهای بلند امام (ره) موجب آگاهی و بیداری جوانان شد، آنان هویت از دست رفته خویش را در این نهضت یافتند و امام (ره) به آنان شخصیت و هویت بخشید. مقام معظم رهبری توجه امام را به نسل جوان یکی از روشهای ایجاد تحول در جامعه می‌داند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«یک حوزه‌ی دیگر از تحوّل‌ی که ایشان به وجود آوردند، تحوّل در نگاه به نسل جوان بود؛ نگاه به جوانان. ایشان به فکر و عمل جوانان اعتماد کردند؛ این به معنای واقعی کلمه یک تحوّل بود. یعنی مثلاً فرض کنید سپاه پاسداران که تشکیل شد، ایشان جوانهای بیست و چند ساله را در رأس سپاه پاسداران پذیرفتند که اینها جوانهایی [بودند] که حداکثر مثلاً سی سال سنشان بود؛ اینها در رأس سپاه پاسداران، فرماندهان لشکرها و فرماندهان کل [بودند]؛ اینها همه جوانهایی بودند که کارهای بزرگ به اینها سپرده شده بود. در زمینه‌های دیگر هم همین جور؛ در بحثهای قضائی، در جاهای دیگر هم ایشان اعتماد عجیبی به جوانهایی که مورد قبولشان بودند؛ ایشان [کارها را] محوّل میکردند و به فکر جوان و به عمل جوان اعتماد میکردند.»^۲

۳- تحول در نگاه مردم به خود و جامعه

ملت ایران به خود نگاه خودحقیق‌پندارانه داشت و این نگاه که ملت ایران بتواند به ابرقدرت‌ها فائق بیاید، مطلقاً کسی تصور نمی‌کرد. نه تنها قدرت‌های خارجی، بلکه قدرت‌های داخلی را هم کسی تصور نمی‌کرد. امام (ره) این احساس حقارت را به احساس اعتماد به نفس و عزت تبدیل کردند.^۳

مقام معظم رهبری، در سخنی دیگر یکی از تحول‌آفرینی امام (ره) را تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکائی در ملت بود، فرمودند:

^۱ - خمینی. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۶۹.

^۲ - خامنه‌ای. سخنرانی سالگرد رحلت امام (ره)، ۹۹۱۳۱۴.

^۳ - همان.

در طول سالهای متمادی، از آغاز تسلط و ورود غربی ها در این کشور - یعنی از اول قرن ۱۹ میلادی که پای غربی ها به ایران باز شد - دائماً به وسیله ی عوامل و دستیاران خودشان، با تحلیل های گوناگون، توی سر ملت ایران می زدند؛ ملت ایران را تحقیر می کردند، به ملت ایران میاوراندند که نمی تواند، عرضه ی اقدام علمی و پیشرفت علمی ندارد، توانائی کار کردن و روی پای خود ایستادن را ندارد. سردمداران رژیم پهلوی و قبل از او، مکرر ملت ایران را تحقیر می کردند. اینجور وانمود می کردند که اگر پیشرفتی متصور است، اگر کار بزرگی باید بشود، باید به وسیله ی غربی ها صورت گیرد. ملت ایران توانائی ندارد. امام بزرگوار به یک چنین ملتی روح اعتماد به نفس را تزریق کرد، و این نقطه ی تحول ملت ایران شد. پیشرفتهای ما در زمینه ی علمی، در زمینه ی صنعتی، در انواع و اقسام عرصه های زندگی، معلول همین اعتماد به نفس است. امروز جوان ایرانی ما، صنعتگر ایرانی ما، دانشمند ایرانی ما، سیاستمدار ایرانی ما، مبلغ ایرانی ما احساس توانائی می کند. این شعار «ما می توانیم» را امام بزرگوار در اعماق جان این ملت قرار داد.^۱

۴- تحول در فقه

تحول در عرصه فقه به زمان خاصی منحصر نبوده و شامل تمام زمانها می شود، اما با توجه به تحولات بسیار در عصر حاضر و در پسامد انقلاب اسلامی که شامل تحول در مسائل، موضوعات و روش های فقهی است می توان تحول در عرصه فقه در این زمان در نظر گرفت. مقام معظم رهبری این چنین تحولی را در فقه، یکی از کارهای بزرگ امام (ره) می داند و می فرمایند:

« یکی دیگر از کارهای بزرگ او، نگرشی جدید در فقه شیعه بود. فقاقت ما، پایه های بسیار مستحکمی داشته و دارد. فقاقت شیعه، یکی از محکمترین فقاقتها و متکی به قواعد و اصول و مبانی بسیار مستحکمی است. امام عزیزمان، این فقه مستحکم را در گستره ای وسیع و با نگرشی جهانی و حکومتی، مورد توجه قرار داد و ابعادی از فقه را برای ما روشن کرد که قبا از آن، روشن نبود.»^۲

امام خمینی (ره) که در مکتب فقیهان سلف تحصیل کرده و در عین حال به همان روش تدریس و تألیف می کرده است، از این جهت در نقطه مقابل مکتب قدیم فقه قرار ندارد. چه اینکه ایشان، خود بر این امر تأکید بسیار نموده و در مرحله عمل نیز پایبندی خود به این سبک و روش را نشان داده است و میفرماید:

^۱ - همان، ۱۳۹۳/۳/۱۴.

^۲ - خامنه ای، « همیشه بر مردم تکیه می کرد/ امام خمینی در نگاه مقام معظم رهبری » همشهری، خردنامه: خرداد ۱۳۸۴.

لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درس‌هایی که مربوط به فقه است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند و کوشش نمایند که هر روز بر دقت‌ها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدفین است، محفوظ بماند.^۱

تبعیت از روش فقه سنتی و فقیهان سلف، ایشان را از تحول و پیشرفت باز نداشته و روح پرخروش و ضرورت نیاز به تحول فقه شیعه متناسب با زمان حاضر، ایشان را واداشته است که در حوزه‌های متعددی در فقه شیعه تحول ایجاد کرده، و باب‌هایی را در فقه شیعه بگشاید که در ادوار سابق به آن پرداخته نشده و مورد عنایت واقع نشده بود. که از مهمترین آنها می‌توان به فقه حکومتی، فقه المصلحه و نقش زمان و مکان در اجتهاد اشاره کرد. بر این اساس می‌توان روش امام در استنباط و اجتهاد را به نوعی، متفاوت از فقیهان سلف دانست و مکتبی خاص را به نام امام خمینی رقم زد. تفاوت امام خمینی با سایر فقیهان را نه تنها در روش استنباطی، بلکه در نوع نگاه متفاوتی که به فقه داشته است باید جستجو کرد. بر اساس این نگرش، ایشان فقه شیعه را از قالب فقه فردی خارج کرده و حوزه‌ای وسیع‌تر (جامعه) را به آن اختصاص داده است و نگرش حکومتی به فقه و رفع نیازهای شئون حکومت، از مهمترین شاخصه‌های این نگرش محسوب می‌شود. در این مکتب اداره نظام اجتماعی مردم در کنار پاسخگویی به نیازهای فردی نقش محوری داشته و هیچ شأنی از شئون مردم و جامعه در حوزه فرو گذار نشده است. بلکه مقام معظم رهبری با عنایت به شرایط کنونی و نیازهای روزافزون جامعه و حکومت به فقه، نقطه مقابل این جریان و مکتب را متحجر نامیده است.^۲

۴-۱- فقه پویا

نگرش فقهی که امام خمینی، راهبری آن را بر عهده دارد در عین حال که از متد و آموزه‌های فقه سنتی بهره می‌برد و به تعبیر خود امام خمینی از مؤلفه‌های فقه جواهری تبعیت می‌کند، پویایی را به خود ضمیمه کرده و با زمان‌شناسی دقیق و فهم صحیح پرسش‌های زمانه به تطور و تکامل رسیده است. این معنا گرچه در روش استنباطی امام خمینی قبل از پیروزی انقلاب نیز به چشم می‌خورد، اما در سال‌های اخیر زندگی ایشان بسیار مورد تأکید قرار گرفته و ایشان مؤلفه‌های زیادی را در این قالب ارائه نمودند که گرچه در قالب فقه استدلالی به کار گرفته نشده است، اما در نوع خود می‌تواند در حل بسیاری از مشکلات کمک کرده و

۱ - خمینی، صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۴۲۵.

۲ - ایردهی، «فقه سیاسی در مکتب امام خمینی (ره)» پاسدار اسلام، شماره ۴۳۹، ۱۳۹۷.

۳ - خامنه‌ای، سخنرانی مرقد مطهر امام خمینی به مناسبت سالگرد رحلت حضرت امام، ۱۳۷۶/۳/۱۴.

باب جدیدی در فقه شیعه بگشاید. توجه به عناصر زمان و مکان، مصلحت، فقه حکومتی و عنایت به واقعیت‌های اجتماعی در فرایند استنباط در این راستا قابل ارزیابی هستند.^۱

از مؤلفه‌های عمده‌ای که در مکتب امام خمینی (س) بسیار مهم تلقی شده و کارساز می‌باشد، لحاظ کردن واقعیت‌های اجتماعی و درک مسائل و فهم موضوعات با عنایت به این واقعیت‌هاست که راه را بر استنباط روزآمد و در عین حال کارآمد می‌گشاید و مشکلات بیشتری را از جامعه حل خواهد کرد:

«اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد، بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد، ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد... این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست بگیرد».^۲

از جمله اموری که در این راستا مورد عنایت امام بوده و ایشان بر این قضیه تأکید می‌نموده، بلکه بستر بسیاری از تحولات را بر آن، مبتنی می‌دانستند، توجه به شرایط زمان و مکان در اجتهاد و استنباط بوده است. ایشان در عبارتی ضمن اعلام وفاداری نسبت به فقه سنتی و اجتهاد جواهری، پویایی را لازمه تحول فقه (البته در بستر همان روش سنتی) دانسته و اینگونه اظهار داشته‌اند:

«در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند... مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد».^۳

۲-۴- ورود فقه در عرصه‌ی نظام‌سازی

از عواملی که موجبات تحول فقه و به تبع، فقه سیاسی را در پی داشته و به روزآمد بودن اجتهاد و پویایی فقه و اجتهاد انجامیده است، می‌توان به همراهی فقیهان با مسائل جامعه و نیازهای آن اشاره کرد. امام خمینی با توجه به چنین نگرشی فقه را وارد عرصه‌ی نظام‌سازی کردند؛ فقه از این مسائل دور بود، البته مسئله‌ی ولایت فقیه، هزار سال [بود که] در بین فقها وجود داشت و مطرح میشد، اما چون این امید وجود نداشت که این ولایت فقیه تحقق پیدا بکند، هرگز به جزئیات آن، به مسائل آن پرداخته نمیشد. امام این را

^۱ - ایردهی. «فقه سیاسی در مکتب امام خمینی (ره)» پاسدار اسلام، شماره ۴۳۹، ۱۳۹۷.

^۲ - خمینی، . صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۷۷-۱۷۸.

^۳ - همان، ص ۲۸۹.

^۴ - ایردهی. «فقه سیاسی در مکتب امام خمینی (ره)» پاسدار اسلام، شماره ۴۳۹، ۱۳۹۷.

وارد مسائل اصلی و فقهی کردند. در حوزه‌ی علمیّه‌ی نجف، این را مطرح کردند و درباره‌ی آن بحث کردند؛ بحث‌های علمی متقن محکماً کاملاً قابل توجه برای افرادی که صاحب نظر در این زمینه‌ها هستند؛ یا مسئله‌ی مصلحت نظام را که مصلحت نظام همان منافع عمومی است، منافع ملی است، چیزی غیر از آن نیست امام در فقه مطرح کردند. مسئله‌ی معروف اصولی و فقهی «تزام» و «اهمّ و مهم» را که در مسائل شخصی و مسائل کوچک به کار میرفت، وارد عرصه‌ی میدان عمومی کردند که در عرصه‌ی اداره‌ی کشور، مسئله‌ی مصلحت نظام و مسئله‌ی «اهمّ و مهم» مطرح میشود. یعنی در فقه، ایشان این چیزها را وارد کردند که این، فرصت خیلی بزرگی برای فقه به وجود می‌آورد؛ دست فقه را باز میکند در گستره‌ی تصرفاتی که میتواند در مسائل گوناگون بکند.^۱

۵- تحول در نگاه به قدرتهای جهانی و ابرقدرتها و باور شکست‌پذیری آنها

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) تحول نوینی را در باب مسائل سیاسی ایران اعم از سیاست داخلی و خارجی به دنبال داشت. در بعد داخلی، تغییر در ساختار حکومت و نحوه‌ی اداره‌ی کشور و سپردن امور به دست مردم و در بعد خارجی و بین‌المللی، تغییر رفتاری-ارزشی که در هر دو بعد بر مبنای اسلام ناب محمدی خلاصه می‌شود. لذا سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی به کلی با آنچه که در رژیم گذشته جاری و ساری بود تفاوت پیدا می‌کند. این تغییرات ناشی از رهنمودهایی است که امام راحل در احکام و فرامین، پیامها و توصیه‌ها، مکتوبات، سخنرانیها و مصاحبه‌ها در مواضع و مواقع مختلف بیان می‌نمودند. یکی از این تغییرات مهم در سیاست خارجی، تغییر در نگاه به قدرتهای جهانی و ابرقدرتها و باور شکست‌پذیری آنها بود. مقام معظم رهبری در مورد چنین تحولی که امام (ره) ایجاد کرد، می‌فرماید:

«آن وقت هیچ کس تصوّر نمی‌کرد که بشود روی حرف آمریکا حرفی زد، بر خلاف اراده‌ی آمریکا بشود حرکتی انجام داد؛ امام کاری کردند که خود رؤسای جمهور آمریکا گفتند که خمینی ما را تحقیر کرد؛ واقعاً هم همین بود؛ امام و کارگزاران امام و جوانهایی که با اشاره‌ی دست امام حرکت میکردند، به معنای واقعی کلمه تحقیر کردند ابرقدرتها را؛ اراده‌ی اینها را شکستند و اینها را از میدان خارج کردند. امام نشان داد که ابرقدرتها ضربه‌پذیرند، شکست‌پذیرند که آینده هم همان را نشان داد؛ دیدید سرنوشت شوروی سابق که آن جور شد، این هم که آمریکای امروز است و این

^۱ - خامنه‌ای. سخنرانی سالگرد رحلت امام (ره)، ۱۳۹۹/۳/۱۴.

^۲ - میرزا حسینی، «دیدگاه‌های نظری امام خمینی (س) در حوزه سیاست خارجی» پرتال پژوهشی و اطلاع‌رسانی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.

قضایای آمریکا را که ملاحظه میکنید! هیچ وقت تصوّر چنین چیزی نمیشد؛ امام این را از آن روز در دل مردم قرار داد که بدانند اینها شکست‌پذیرند و ضربه‌پذیرند.»

۶- ایجاد تمدن نوین اسلامی

در دنیای معاصر، فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی توان ماندگاری می‌یابند که پیوسته در حال نوسازی باشند؛ اما این نوسازی به معنای جداسدن از گذشته نیست؛ بلکه آمادگی برای رویارویی با پدیده‌ها و مسائل جدید است. یکی از بارزترین ویژگی‌های امام خمینی (ره)، به عنوان یک رهبر سیاسی مذهبی، اندیشه نوسازی تمدن اسلامی است که با تشکیل حکومت اسلامی، جنبه عملی نیز به آن بخشید. در تکاپوی جهانی برای پیشرفت، امام خمینی (ره) همه امت اسلامی را به سوی تمدن الهی و اسلامی فرا می‌خواند و الزاماتی برای آن قائل است که در ادامه به آن مورد از آنها می‌پردازیم. امام خمینی (ره) به اعتقاد و اعتراف بسیاری از اندیشمندان و شرق‌شناسان، اسلام‌شناسان و جامعه‌شناسان غربی، ایشان بزرگ‌ترین احیاگر تفکر و ارزش‌های اسلامی می‌باشند که آنچه را اصلاح‌گران، تجدیدگرایان و بیدارگرایان اسلامی از قرن ۱۹ میلادی تا زمان آغاز نهضت در ایران صرفاً به عنوان یک آرمان تبلیغ می‌کردند، امام خمینی (ره) در صحنه عمل پیاده کرد. و دوره ای را آغاز کرد. که اسلام به منزله دال برتر نظم سیاسی جدید مطرح گردید. تلاش‌های چندین دهه استعمارگران چنان برنامه‌های مذهب‌زدایی را پیش برده بود که حضور و بروز اسلام آن هم به مثابه نیروی بالقوه فرهنگی و اجتماعی در صحنه جوامع، در باور کمتر کسی می‌گنجید تا چه رسد که از نظر سیاسی احیا گردد و ابعاد مستحکم و فراگیری یابد.

از دیدگاه امام خمینی (ره) اسلام فقط منحصر در بخش‌های اعتقادی نیست بلکه در همه عرصه‌های مورد نیاز انسان معاصر مدعی پاسخگویی می‌باشد. علم، فرهنگ، سیاست و اقتصاد، جامعیت اسلام شامل بعد فردی و اجتماعی می‌باشد. امام خمینی (ره) به عنوان فقیه و اسلام‌شناس متأخری که با توجه به شناخت و تسلطش بر مبانی عقلی و نقلی دین اسلام، قرائت جدیدی از اسلام ارائه نمود و اسلام را دین و آیینی معرفی کرد که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه داشته و آنچه که بشر برای نیل به سعادت محتاج آن بوده است را ارائه کرده است. از دیدگاه ایشان، اسلام قادر به ایجاد تغییر و تحول همه‌جانبه فردی و اجتماعی در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. عنصر اسلام به عنوان مهمترین عامل تحول و تغییر و نیز خیزش

^۱ - خامنه ای. سخنرانی سالگرد رحلت امام (ره)، ۱۳۹۹/۱۳/۱۴.

^۲ - زمانی محبوب. «بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۹، ص ۱۳۵-۱۵۲.

^۳ - محمدی. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۲۵.

علیه نظام سلطه جهانی محسوب می‌شود. این تغییر و تحول علاوه بر اینکه روحی است بلکه در تمامی ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی زندگی مادی انسان‌ها تأثیرگذار می‌باشد:

«اسلام به این منظور به وجود آمد که به انسان، ابعاد واقعی و شأن انسانی اعطا کند؛ یعنی انسان را از نظر زندگی اجتماعی، شخصی و سیاسی تحول بخشد و به غنای روحی انسان یاری دهد. اسلام قادر به ایجاد چنین تحولی هست. قوانین اسلام به نیازهای انسان پاسخ می‌گوید؛ این قوانین بسیار صریح و روشن هستند. اسلام روش و رفتار هر فرد را در برابر جامعه، طی قوانین خاصی مدون و تنظیم کرده است. اسلام چگونگی سیاست جامعه را در رابطه با اقلیت‌های مذهبی، مشخص ساخته است. از این نظر قوانین اسلام واقعاً پیشرو و پیشاهنگ هستند...»

مقام معظم رهبری تحول‌گرائی امام را در رسیدن به تمدن نوین اسلامی در ابتدای انقلاب اینگونه بیان کردند:

«در شروع نهضت اسلامی هیچ افقی از آینده در ذهن ملت نبود اما امام، این نگاه بی‌افق را به نگاه کنونی ملت یعنی تشکیل امت اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی در افق آینده متحول کرد.»

۶-۱- پیوند دین و سیاست

یکی از مفاهیم محوری در منظومه اندیشه تمدنی امام خمینی (ره) پیوند میان دین و سیاست است؛ به گونه ای که، می‌توان آن را سنگ بنای اساسی اندیشه سیاسی وی دانست. امام خمینی (ره) سیاست را تدبیر معطوف به هدایت جامعه به سوی صالحشان و هدف پیامبران و اولیای الهی به عنوان متولیان اصلی هدایت جامعه می‌داند.^۱ از این رو در اندیشه وی، سیاست بخشی از دین و جزئی جدایی ناپذیر از اسلام است. امام خمینی (ره) دین و سیاست را به اندازه‌ای درهم‌تنیده می‌داند که می‌فرماید:

«کسی که می‌گوید: ما را چه به سیاست، معنایش کنار گذاشتن اسلام و تکذیب خدا و ائمه معصوم

است.»^۴

^۱ - خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۴، ص: ۲۴۲

^۲ - خامنه ای، سخنرانی سالگرد رحلت امام (ره)، ۹۹/۳/۱۴.

^۳ - لک زائی. اندیشه سیاسی امام خمینی، ص ۲۶.

^۴ - خمینی. صحیفه امام (ره)، ج ۳، ص ۳۳۹.

۲-۶- تأسیس حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه

موضوع دیگری که حضرت امام برای تمدن سازی اسلامی لازم می‌دید، تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه بود؛ زیرا از این طریق می‌توانست موانع موجود بر سر راه نوسازی تمدن اسلامی را مرتفع سازد و عوامل تمدن سازی را به خدمت گیرد. پیامبر اکرم (ص) نیز پس از هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، پایه های تمدن اسلامی را پی‌ریزی کرد. در میان اندیشمندان اسلامی سده های اخیر، امام خمینی (ره) برجسته ترین فردی است که با دریافت جامع از دین و باوری عمیق از الزامات و تحولات جهانی، به احیای دیانت اسلام به عنوان مکتبی جامع در وجوه سیاسی و اجتماعی آن همت گماشت و حاکمیت سیاسی مبتنی بر اندیشه دینی را جایگزین دولت پهلوی مبتنی بر گفتمان غرب گرای کرد.

۲-۶- نقد تمدن غرب

شناخت دیدگاه امام خمینی (ره) نسبت به تمدن غرب، موضوع بسیار مهمی است؛ چراکه فرهنگ و تمدن اومانیستی و لیبرالیستی غرب، با گمانه برتری جویی، داعیه جهانی سازی دارد و غربی ها در راستای تحقق این پندار، با تمام توان به میدان آمده اند؛ از این رو، شناخت شاخصه های تمدن مادی غرب و دیدگاه های رهبران اسلامی، به ویژه امام خمینی درباره آن، از رسالت های امروز مسلمانان در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی است.

امام خمینی (ره) تمدن غرب را به عنوان کلیتی که حاوی دستاوردهای مطلوب و نامطلوب است، در نظر می‌گیرد و معتقد است در این بازار مکاره باید میان ثمرات خوب و بد تمدن غربی تفکیک قائل شد. حضرت امام در میان نزاع سنت گرایان و تجدیدطلبان، با وجود نقد تمدن غرب، به استفاده از دستاوردهای ابزاری تمدن غرب در چهارچوب نیازهای بومی و فرهنگ خودی قائل می‌باشد؛ البته منوط به شروطی که مهم ترین آن، عدم وابستگی و حفظ استقلال است. به عقیده امام خمینی (ره) باید از طریق استفاده از تمدن غرب و فراورده های آن، به استقلال برسیم؛ نه این که دست به سوی غربی ها دراز کرده، به صورت صرف تقلید کنیم و وابسته شویم؛ چراکه اساساً تمدن اسلامی، در شرایط ذلت و وابستگی حاصل نمی‌شود. ایشان حتی بر این عقیده بودند که ما باید به گونه ای با تمدن غرب برخورد کنیم که به حل شدن و مضمحل شدن تدریجی غرب در درون دستگاه دینی تمدن اسلامی بینجامد. از این رو می‌فرماید: «علوم و فنون غربی باید

۱- میرباقری، اندیشه تمدن نوین اسلامی، ص ۱۴۵.

۲- خمینی، صحیفه، ج ۱۰، ص ۳۴.

۳- رهدار، غرب شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، ص ۶۶۱.

با مقتضیات فرهنگی و اجتماعی ما متناسب شوند». البته به رسمیت شناختن استفاده از تمدن جدید غرب، مانع از آن نبوده که حضرت امام به نقد تمدن غرب نپردازند.

۴-۶- وحدت مسلمین و تشکیل امت واحده

وحدت و انسجام مسلمین، یکی از مهم ترین بایسته های سیاسی تمدن نوین اسلامی است که بیش از هر موضوعی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ظهور و بروز داشت. ایشان وحدت را علت محدثه و مبقیه نظام اسلامی، و ضامن بقای مسلمانان دانسته است. از دیدگاه ایشان، وحدت موجب افزایش مقاومت ملت در برابر سختی ها و مشکلات، و نیز موجب اقتدار و عزت جامعه، و در نتیجه حرکت به سوی پیشرفت است. امام خمینی (ره) طرح راهبردی تحقق وحدت جهان اسلام را در قالب نظریه «امت واحده اسلامی» طرح می کند. امت محوری را می توان بنیاد تمدن نوین اسلامی دانست. تلاش برای تحقق بخشیدن به امت اسلامی به معنای استقرار جامعه جهانی مؤمنان، بیان گر رویکرد جهان گرایانه اسلام و قلمرو فراملی ایده های جهانی اسلام است. بر همین اساس، امام خمینی (ره) بر ایجاد امت اسلامی بر اساس تقریب گرای، فارغ از قومیت، نژاد و جهت گیری های فرهنگی و سیاسی تأکید داشت.^۲

نتیجه گیری

در میان رهبران سیاسی جهان تا به امروز، کمتر شخصیتی به جامعیت امام خمینی (ره) بروز نموده است. شخصیت استثنایی و اسطوره ای که توانست از یک جمع پیریشان و پراکنده، یک امت متحد بسازد و بزرگ ترین انقلاب قرن را بر پا کند. از ویژگی های امام خمینی از منظر مقام معظم رهبری، تحول آفرینی ایشان است. در اذهان برخی افراد امام خمینی را تنها یک تحول گر سیاسی می دانند که حاکمیت یک ملت را تغییر داد اما در نظر مقام رهبری امام در ابعاد مختلف اعم از سیاسی و فرهنگی از قبیل تحوّل در خمودگی و تسلیم بودن ملت و تبدیل به روحیهی مطالبه گری، تأمین عدالت اجتماعی، تحول در نگاه مردم به دین، تحول در نگاه مردم به خود و جامعه، تحول در نگاه به نسل جوان، تأسیس حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه و وحدت مسلمین و تشکیل امت واحده میتوان نام برد.

^۱ - زمانی محبوب. «بایسته های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مجله پژوهش های سیاست اسلامی، ص ۱۳۵-۱۵۲.

^۲ - همان.

منابع

- ۱- افتخاری، اصغر. «آرمان های انقلاب از دیدگاه امام خمینی(ره)» مجله اندیشه حوزه، شماره ۱۲: ۱۳۷۷ ش.
- ۲- ایزدهی، سیدسجاد. «فقه سیاسی در مکتب امام خمینی(ره)» پاسدار اسلام، شماره ۴۳۹، ۱۳۹۷.
- ۳- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ۱ جلد، انتشارات اسلامی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵ ش.
- ۴- بهرامی، قدرت الله: «امام خمینی از دیدگاه مقام معظم رهبری» فصلنامه حصون، شماره ۱۵: ۱۳۸۷ ش.
- ۵- خامنه ای، سید علی. حدیث ولایت، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- ۶- _____ . سخنرانی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۹۹/۳/۱۴.
- ۷- _____: «همیشه بر مردم تکیه می کرد/ امام خمینی در نگاه مقام معظم رهبری» همشهری، خردنامه، خرداد ۱۳۸۴.
- ۸- _____ . سخنرانی سالگرد رحلت امام (ره)، ۱۳۹۹/۳/۱۴.
- ۹- _____ . سخنرانی مراسم بیست و پنجمین سالگرد امام خمینی ره ۱۴/۰۳/۹۳.
- ۱۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، «مردم سالاری دینی شرط اساسی مکتب امام خمینی(ره)».
- ۱۱- خمینی، روح الله. تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تبیان آثار موضوعی، دفتر ۳۶، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
- ۱۲- _____ جوانان از دیدگاه امام خمینی (س). موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۳- _____ . صحیفه ی امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) ۱۳۶۸ ش.
- ۱۴- دادفر، مژگان. «انقلاب اسلامی و رویکردی معنوی به جهان سیاسی» مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۲: ۱۳۸۱ ش.

- ۱۵- رهدار، احمد. غرب شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر. قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. بی تا
- ۱۶- زمانی محجوب، حبیب. «بایسته های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مجله پژوهش های سیاست اسلامی، شماره ۹: ۱۳۹۵ ش.
- ۱۷- سعیدی نژاد، اکبر. «سیاست در اندیشه های امام خمینی». پرتال امام خمینی، ۱۳۹۷ ش.
- ۱۸- عارفخانی، احمد. اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری. مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۷ ش.
- ۱۹- عمید، حسن. فرهنگ عمید. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۰- قابل، هادی. «حضور دین در عرصه اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)» کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی / مبانی کلامی. بی تا.
- ۲۱- لک زائی، نجف، اندیشه سیاسی امام خمینی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
- ۲۲- مجتبی زاده، علی. «نقش جوانان در پیروزی انقلاب اسلامی» موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷.
- ۲۳- محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- ۲۴- میرباقری، سید محمد مهدی. اندیشه تمدن نوین اسلامی. بی جا، بی تا.
- ۲۵- میرزا حسینی، مریم السادات. «دیدگاه های نظری امام خمینی (س) در حوزه سیاست خارجی» پرتال پژوهشی و اطلاع رسانی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.
- ۲۶- ورعی، سید جواد. امام خمینی و احیای تفکر اسلامی، تهران: مرکز تنظیم و نشر امام خمینی، ۱۳۸۶ ش.